

The Place of Time and Place in Traditional Dynamic Jurisprudence System

*Mohammad Ebrahim Elahian¹, Mojtaba Elahian²⁻, Seyyed 'Ali Mohammad
Yathrebi³*

1. Ph.D Student, Department of Law, College of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran
2. Associate Professor, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
3. Associate Professor, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: March 12, 2019; Accepted: December 10, 2019)

Abstract

Islam is a universal and eternal religion due to the perfection of the divine rules which are in fact one of its miracles. In the face of constant needs, changing needs will emerge, and these changes must be protected in order to preserve and maintain its purity and appropriate growth. For the same reason, the dynamics is not a divider of traditional jurisprudence, but traditional jurisprudence is dynamic in itself. Ijtihad, which is rightly called the dynamics of Islamic law, means a deliberate and methodical attempt to extract the verdict of God according to the four sources of the Book, Islamic tradition, wisdom and consensus. Providing some criteria and examples, this article attempts to explain who the time and place influence the religious judgments.

Keywords: Time, Place, Ijtihad, Rulings, Examples.

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰
صفحات ۴۷-۷۱ (مقاله پژوهشی)

جایگاه زمان و مکان در منظومه فقه سنتی پویا

محمدابراهیم الهیان^۱، مجتبی الهیان^۲، سید علی محمد یثربی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲. دانشیار، دانشکده فقه، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۳. دانشیار، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹)

چکیده

اسلام دینی جهانی و جاودانی است و علت آن کمال احکام الهی محسوب می‌شود که در حقیقت به‌مثابه یکی از معجزات اسلام است. در قبال نیازهای ثابت، نیازهای متغیر پدیدار خواهد شد که باید از این تغییرات نیز در جهت حفظ و نزاهت و بالندگی صحیح آن صیانت شود. از این جهت است که پویایی قسیم فقه سنتی نیست، بلکه فقه سنتی به‌خودی‌خود پویاست. اجتهاد که آن را به حق دینامیس حقوق اسلامی نامیده‌اند، به‌معنای کوشش عالمانه و روشمندی برای استخراج حکم خدا با توجه به منابع چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع است. در این مقاله در حد و وسع کوشیده‌ایم که نحوه تأثیر زمان و مکان بر احکام شرعی را با تعیین ملاک‌ها و مصادیق ارائه کنیم تا چه در نظر آید.

واژگان کلیدی

اجتهاد، احکام، زمان، مصادیق، مکان.

مقدمه

مفسر دین باید در مرحله نخست به تمام اصول و کلیات دین که در همه زمان‌ها و مکان‌ها به‌عنوان اصول ثابت و تغییرناپذیر معتبرند، احاطه کافی بلکه کامل داشته باشد و در مرحله دوم باید علل و حکم و مصالحی را که اصول و کلیات یادشده بر اساس آنها استوارند، خوب بشناسد و در مرحله سوم باید زمان و مکان و مقتضیات آن دو را عمیقاً درک و بر اساس این درک، حکم موارد جزئی را با ارجاع آنها به اصول کلی تعیین کند. بدیهی است که اوصاف یادشده را اولاً و بالذات در فرد معصوم می‌توان یافت که یا خود بدون واسطه با وحی و مصدر وحی در ارتباط است (پیامبر ص) یا با واسطه و ثانیاً و بالعرض در فردی که تالی تلو معصوم است و با تعالیم و داده‌های او کاملاً آشناست (مجتهد جامع‌الشرایط). همان‌گونه که پیامبر یا جانشین پیامبر (ع) علاوه بر آنکه با اصول و کلیات دین و ملاکات و علل و حکم احکام الهی آشناست، زمان و مکان خود را می‌شناسد و بر مقتضیات و اوضاع حاکم بر آن دو کاملاً مطلع است و در چارچوب کلیات ثابت دین، با توجه به زمان و مکان، مقرر و قانون‌های متناسب وضع می‌کند؛ مجتهد و فقیهی که می‌خواهد رهبری دینی و سیاسی جامعه مسلمان را بر عهده بگیرد، علاوه بر آنکه باید به اندازه‌ای که در وسع و قدرت اوست، با اصول و کلیات ثابت دین و ملاکات احکام آشنا باشد، باید زمان و مکان را بشناسد و بر مقتضیات و وضع آن دو کاملاً مطلع باشد، وگرنه نخواهد توانست جامعه را، آن‌طور که باید و آن‌طور که مرضی خداوند حکیم است، اداره کند. به عبارت دیگر، مجتهدی لیاقت رهبری جامعه مسلمان را دارد که علاوه بر شرایط متعارف اجتهاد، از این چند امتیاز مهم نیز برخوردار باشد: ۱. با اصول و کلیات ثابت دین آشنا باشد؛ ۲. حکم و علل و ملاکات احکام الهی را حتی‌الامکان بداند؛ ۳. بر اوضاع حاکم بر زمان و مکان صدور روایات و نزول آیات مطلع باشد؛ ۴. اوضاع حاکم بر زمان و مکان خویش را دریابد و مقتضیات آن دو را بشناسد؛ ۵. احکامی را که جزو اصول و کلیات ثابت دین است، از احکامی که جزو فروع و جزئیات متغیر دین است، بازشناسد و این دو را با هم خلط نکند؛ یعنی، مثلاً اگر در روایتی از امام معصومی، بر حسب اوضاع حاکم، حکمی صادر شده باشد، آن حکم را با توجه به همان اوضاع تلقی کند؛ نه آنکه آن را بدون توجه به اوضاع

حاکم بر زمان و مکان امام معصوم (ع) به عنوان حکمی ثابت و دایمی و به صورت اصلی کلی فرض کند و سپس آن را در همه مکان‌ها و زمان‌ها، که اوضاعشان با اوضاع زمان و مکان امام (ع) متفاوت است، ساری و جاری بداند و در نتیجه فتوایی صادر کند که متناسب با زمان و اجرائدنی نباشد.

حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و غفلت از آن را جایز نمی‌دانم، اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدین معنا نیست که فقه اسلامی پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، حکم جدیدی پیدا می‌کند. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰: ۹۵).

نظریه «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» طرح شده از سوی امام خمینی (ره) مدخلی برای تأمل و تحقیق و راه‌حلی برای فعالسازی و بارور کردن بیشتر فقه است. نقش این دو عنصر در حیات فقهی بر هیچ فقه‌شناسی پوشیده نیست، اما به جهت عدم انجام تحقیقات و پژوهش‌های عالمانه در این باب، این مبحث زوایای مبهم و ناگشوده و افری دارد و گاه به افراط و تفریط در برداشت‌ها و استنباط می‌گراید. ما در این مقاله به دنبال اعتلای این اثر و تبیین نظریه خواهیم بود.

تأثیر مقتضیات هر عصر بر مدیریت جامعه و اجتهاد و فقاہت انکارناپذیر است. در روایات گوشه‌هایی از این واقعیت نمایان شده‌اند و سخنان برخی از فقیهان شیعه و سنی نیز بر آن گواهی می‌دهد. اما مراعات مرزهای این پدیده که انحصار حق قانونگذاری برای خداوند و حفظ جاودانگی شریعت است، لازم خواهد بود. از این‌رو سزاوار است که به درستی مصادیق آن در تطبیق موضوعات بر موارد آنها و تغییر حکم به سبب تغییر ملاک و کشف مصادق‌های جدید برای موضوع و دگرگونی شیوه‌های اجرای حکم و پیدایش موضوعات نوین و نمود آن در تفسیر قرآن و سنت کاوش شود.

ابان نقل می‌کند که فردی از امام رضا (ع) پرسید: اگر در شهری طاعون آمد، آیا جایز است از شهر خارج شویم؟ فرمود: آری.

اگر طاعون در شهرکی آمد چطور؟

- خروج جایز است.

- اگر در خانه‌ای طاعون آمد، خروج جایز است؟

- آری.

- از رسول خدا به ما روایت شده که فرمودند: فرار از طاعون مانند فرار از مقابل دشمن است. حضرت فرمود: بله، پیامبر این فرمان را در مورد گروهی فرمودند که مرز نشین هستند و در برابر دشمن قرار دارند، طاعون به آنجا می‌آید و آنان سرزمین‌هایشان را خالی می‌کنند و می‌گریزند، رسول خدا این مطلب را در مورد ایشان فرمود.

درباره این حدیث پیامبر(ص) از امام صادق(ع) نیز می‌پرسند و آن حضرت هم دقیقاً همین پاسخ را می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۲۱).

مطابق این حدیث حکمی، در موقعیت زمانی خاصی، یعنی در اوضاع خاص سیاسی یا نظامی واجب است و وقتی آن اوضاع از بین می‌رود، خلاف آن حکم صادر می‌شود. ترک شهر طاعون‌زده در موقعیت خاص حرام و در موقعیت دیگر جایز، بلکه واجب شمرده می‌شود. پس برای فهم صحیح سنت، مطالعه جهت صدور و درک زمان صدور آن لازم است.

ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم که مفهوم روشنی از دخالت زمان و مکان در استنباط ارائه دهیم تا به این طریق از خلط منظور با مفاهیم مشابه جلوگیری کنیم و سعی خواهیم داشت نحوه تأثیر این دو عنصر در اجتهاد را در حد توان بیان کنیم.

۱. مفهوم زمان و مکان

منظور از زمان و مکان بحث فلسفی، بحث جغرافیا یا بحث فیزیکی آن نیست، بلکه دو ظرفی هستند که نشان‌دهنده اوضاع اقتصادی، سیاسی و پیشرفت‌های علم و صنعت و سنن حاکم بر جامعه در هر دوره است که شناخت درست موضوع آنها، در صدور فتاوی‌ای کارساز و مشکل‌گشا، راه جامعه را در پرتو توحید و سنت مترقی اجتهاد، به سوی ترقی و تعالی سوق دهد.

به قول صاحب مجمع الفائدة حکم کلی واحد در احکام بدون لحاظ خصوصیات ممکن نیست، بلکه احکام به اعتبار خصوصیات احوال، زمان‌ها و مکان‌ها مختلف می‌شود و با استخراج این اختلاف‌ها و انطباق با جزییاتی که از شرع شریف دریافت شده، ما به امتیاز اهل علم و فقها از دیگران است (اردبیلی، ۱۴۰۴: ۴۳۶)؛

۲. نحوه تأثیر زمان و مکان

حال که مفهوم زمان و مکان را شناختیم، زمان آن است که به نحوه تأثیر زمان و مکان اشاره کنیم:

۲.۱. تأثیر زمان و مکان در سیره معصومین(ع)

پیشوای معصوم، از خطا و نسیان در نظر و عمل منزه است. در عین حال بین معصومان گاهی در نظر و عمل در طول زمان و نسبت به امکانه مختلف، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. این تفاوت ناشی از نیازهای زمان و مکان است و نه چیز دیگر:

۱. ۲.۱. تأثیر در سیره نظری معصومان(ع)

در برخورد با روایات این امر به دست می‌آید که در زمان یکی از معصومان از انجام دادن کاری نهی شده و سپس در زمان دیگر از معصومان به آن امر شده است. گاهی زمان و مکان (شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی حاکم بر جهان یا کشور خاص) موجب می‌شود که حاکم اسلامی، پیامبر یا امام معصوم یا ولی فقیه حکمی را صادر کند. لذا بعضی روایات متعارض به چشم می‌خورند که در موضوع واحد، دو حکم متعارض دارد. حال اگر به زمان و مکان صدور روایات مراجعه شود، می‌توان تعارض را برطرف کرد. این اختلاف در تعبیر و گفتار از شرایط خاص زمانی و مکانی نشأت می‌گیرد و مقتضای زمان و مکان هر امام با امام دیگر تفاوت دارد. به عنوان نمونه یکی در شرایط تقیه بوده و دیگری در آن شرایط نبوده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «لأن حکم الله عزوجل فی الاولین و الاخرین و فرائضه علیهم سواء الا من علة او حادث یكون و الاولون و الاخرون ایضاً فی منع الحوادث شرکاء و الفرائض علیهم واحده یسأل الاخرون عن اداء الفرائض عما یسأل عنه الاولون و

یحاسبون عمّا به یحاسبون ... (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۸) حکم الهی در حق اولین و آخرین یکسان است، مگر اینکه دلیلی به وجود آید که سبب تغییر حکم شود و تمامی انسان‌ها نسبت به تغییر حکم، هنگام پیش آمدن حوادث همانندند و واجبات بر همه یکسان است. از همان‌ها که از سابقین سؤال می‌شوند، آیندگان نیز سؤال می‌شوند و مورد محاسبه قرار می‌گیرند ...». در خصوص این قسمت می‌توان به مسئله خمس اشاره داشت. روایات رسیده در این باب دو قسم هستند: در قسمی به مطالبه خمس تأکید شده است. روایت محمدبن زید طبری از امام رضا که فرمودند: خمس کمکی برای دین و عیال و موالیان ماست و ما آن را نمی‌بخشیم، زیرا با آن آبروی خویش را در برابر سیطره دشمنان حفظ می‌کنیم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۳۷۵). در قسم دیگری نیز به عدم پرداخت خمس اشاره شده است: امام باقر از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که شیعیان ما از پرداخت خمس معافند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۳۷۹)؛

۲.۱.۲. تأثیر زمان و مکان در سیره عملی معصومان(ع)

در نگاهی گذرا به مجموعه‌ای از روایات دست یافتیم که نقش شرایط زمانی و مکانی را در حکم به نمایش می‌گذاشت. با نگاه به این روایات تأثیر زمان و مکان در احکام و دگرگونی آن دیدگاه اهل بیت(ع) به وضوح ثابت می‌شود. در اینجا برای حفظ اختصار به یک نمونه اشاره می‌کنیم: گوشت قربانی و بردن آن پس از ایام منی:

در صحیحۀ محمدبن مسلم از امام باقر(ع) این چنین آمده است: قال، قال رسول الله(ص): نهی عن تحبس لحوم الاضاحی فوق ثلاثه ایام؛ یعنی رسول خدا(ص) از نگهداری و برداشت گوشت قربانی پس از سه روز اقامت در آنجا، نهی فرموده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۳۴۱).

باز در صحیحۀ جمیل بن دراج این گونه نقل شده است: «قال سالت ابا عبد الله - علیه السلام - عن حبس لحوم الاضاحی فوق ثلاث ایام بمنی؟ قال: لا بأس بذلک الیوم، ان رسول الله - صلی الله علیه و آله - انما نهی عن ذلک اولاً، لان الناس كانوا یومئذ مجهودین؛ فاما الیوم فلا بأس؛ جمیل بن دراج می‌گوید: از امام صادق درباره حبس و نگهداری گوشت قربانی پس

از سه روز در منی پرسیدم. حضرت فرمود: امروزه اشکالی ندارد، رسول خدا در آغاز از آن نهی کرد؛ زیرا در آن روز مردم تنگدست و فقیر بودند (و می آمدند از آن استفاده می کردند) ولی اکنون این چنین نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۳۴۹)؛

۲.۲. تأثیر زمان و مکان بر مصادیق

تشخیص مصادیق موضوعات توسط عرف انجام می گیرد و مجتهد با توجه به اینکه یکی از افراد عرف است، می تواند در این زمینه نظر دهد؛ ولی نظر او با نظر بقیه مردم ارزش مساوی دارد. تشخیص پاره ای از مفاهیم و مصادیقی که شارع یا سایر قانونگذاران موقوف به نظر عرف کرده باشند؛ مانند الفاظ «اناء»، «صعید»، «ماء»، «سفر» و «وطن» یا مصادیق مفهوم، مثل مصادیق «فقیر» که طبعاً برحسب نیازهای مختلف برخاسته از شرایط زمان و مکان، مقدار نیازهای او فرق خواهد کرد، یا مصادیق عنوان فی سبیل الله در آیه زکات که طبعاً با تحول زمان ورشد برنامه های فرهنگی و اجتماعی به نظر عرف، مصادیقی والا و بهتر از مصادیق ازمنه قدیم دارد، کاربرد عرف عام در این گونه موارد نیز مورد قبول و پذیرش فقهای عظام شیعه و سنی است (اشرفی شاهرودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۰۵)؛

۲.۳. تأثیر زمان و مکان در موضوعات و مصادیق احکام

بی تردید تحول زمان و شرایط آن نه تنها در تحول احکام شریعت که در تحول ویژگی های درونی و بیرونی موضوعات احکام و ملاکات آنها در غیر مسائل عبادی نیز نقش دارد؛ زیرا این تحول سبب می شود که موضوع تحول یافته از نظر ویژگی، از حیطة اصلی از اصول شرعی خارج و در حیطة اصلی دیگر از اصول شرعی داخل و در نتیجه حکم دیگری بر اساس اصل دوم بر آن مترتب شود.

شیوه های تأثیر یا نواحی تأثیر زمان و مکان در موضوعات عبارتند از:

۲.۳.۱. تغییر موضوع با تغییر درونی آن

گاهی زمان و مکان موجب می شود که موضوع از درون تغییر کند و «استحاله» شود. مانند آنچه در احکام مطهرات ذیل عنوان استحاله، انتقال و انقلاب ذکر می شود. منظور از استحاله، انقلاب موضوع پیشین و تبدیل آن عرفاً به موضوع دیگر است و دلیل بر مطهریت

استحاله این خواهد بود که با استحاله، موضوع جدیدی غیر از آن موضوعی به وجود می‌آید که به نجاستش حکم شده بود (خویی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۶۸). موضوع به موضوع جدیدی تبدیل می‌شود که عنوان و ظاهر آن نیز تغییر می‌کند و حکم جدیدی را به دنبال دارد، مثلاً اگر یک سگ در نمکزار بماند و تمام اعضای او به نمک تبدیل شود، حکم نجاست شامل حال او نمی‌شود و پاک می‌شود.

شیخ انصاری می‌فرماید: «کیف کان فالذی ینبغی ان یراد هنا من الإستحالة استحالة الموضوع و تبدلها الی مغایره عرفاً، سواً کان تبدلها بتبدل ذاتیاتها او بعض خصوصیاتها العرضیه. فلو فرضنا ان النجاسة حمل فی کلام الشارع علی الماء المتلبس بالتغییر او المتصف بكونه فی الكوز وزالت الصفة، زالت النجاسة لان المحمول تابع للموضوع فبزواله یزول و ثبوته فی موضوع آخر یرتفع الی دلیل و التمسک بالاستصحاب غیر معقول لان بقاء حکم فی غیر موضوعه غیر معقول» (انصاری، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳۰۶).

به هر حال مراد از استحاله در اینجا استحاله موضوع پیشین و تبدیل آن عرفاً به موضوع دیگر است؛ چه تبدیل موضوع به تبدل ذاتیاتش باشد و چه تبدل در بعضی از خصوصیات، عرضیش باشد. اگر فرض کنیم که نجاست در کلام شارع بر آبی که متغیر یا متصف به بودنش در کوزه است، بار شده و این صفات زائل شوند، نجاست نیز زائل می‌شود؛ زیرا محمول تابع موضوع است و با زوال موضوع زائل می‌شود و ثبوت آن محمول در موضوع دیگر، محتاج به دلیل است و تمسک به استصحاب بقای حکم معقول نیست، زیرا بقای حکم در غیر موضوعش معقول نیست. مثال دیگر در این زمینه، تغییر حکم حلیت به حرمت به واسطه جوشیدن شیرۀ انگور و تبدل آن به خمر است.

۲.۳.۲. تبدیل موضوع با تغییر بیرونی آن

مانند آنجایی که روابط اجتماعی یا اقتصادی نسبت به موضوعی تغییر کرده باشد، به گونه‌ای که روابط اقتصادی و اجتماعی پیشین نسبت به موضوع حاکم نباشد. در همه جا حکم بر محور موضوع دور می‌زند، اگر موضوع با تمام خصوصیات و ویژگی‌هایش ثابت ماند، حکم

آنها نیز تحول و تغییر نخواهد کرد، ولی با دگرگون شدن اصل موضوع یا خصوصیات و ویژگی‌های آن، احکام آن نیز تغییر می‌یابد. پس در تغییرات بیرونی موضوع با اینکه هیچ تغییری از نظر ظاهر در آن حاصل نشده است، حکم شرعی آن تغییر می‌کند؛ چرا که موضوع گرچه از نظر ظاهر تغییر نکرده، برخی از خصوصیات و ویژگی‌های بیرونی آن تغییر کرده است که این تغییر، تغییر حکم را نیز به دنبال دارد.

روایات فراوانی دلالت دارند بر اینکه استفاده از انفال برای مردم حلال است، از جمله انفال، جنگل‌ها و زمین‌های بایر هستند. در زمان‌های گذشته استفاده مردم از انفال، مشکلی در جامعه ایجاد نمی‌کرد و این به سبب ابتدایی بودن ابزارهایی بود که برای استفاده محدود از انفال به کار گرفته می‌شد. از این رو محدود کردن استفاده مردم از انفال ضرورتی نداشت. اما امروزه که شیوه‌های استفاده از انفال تغییر کرده و پیشرفته شده و طمع انسان به آن افزایش یافته است، ضرورت ایجاد می‌کند که برای حفظ محیط زیست، با وضع قانون‌هایی جلوی بهره‌برداری‌های آژمندانه گرفته شود.

۳.۲. مصادیق جدید برای موضوع

زمان و مکان در سرایت حکم به موضوعی که در عصر تشریح وجود نداشته، مؤثر است و این تسری به سبب ملاکی خواهد بود که در موضوع جدید وجود دارد. احکام شرعی به صورت قضایای حقیقیه بیان شده‌اند و شامل مصادیق موجود در زمان خطاب و مصادیق مفروض می‌شوند. یکی از تأثیرات زمان و مکان، ایجاد دگرگونی در مصادیق موضوعات احکام است و با پیدایش تحول در مصادیق، حکم آن نیز تغییر می‌یابد. امام خمینی در خصوص حرمت بیع سلاح به دشمنان دین می‌نویسند: «پیش از نگاه به اخبار تقدیم امری شایسته است و آن اینکه موضوع بحث، مطلق چیزی که عنوان سلاح بر آن منطبق باشد، نیست، بلکه موضوع آن چیزی است که فعلاً اسلحه جنگی است و مصادیق آن بر حسب زمان‌ها مختلف می‌گردد. چه بسا وسیله‌ای در زمان و مکانی اسلحه جنگی است که در زمان و مکان دیگر نیست. در زمان‌های قدیم سنگ‌های خاص، فلاخن و چوب، وسیله جنگ بود، سپس دوره آنها منقرض شد و آنها از صلاحیت وسیله جنگ بودن خارج شدند و اسلحه‌های دیگری جای آنها را گرفت، مانند

شمشیر، نیزه، عمود، تیر، سپر، زره و مانند آنها. سپس دوره اینها نیز منقرض گردید و اسلحه‌های دیگری جای اینها را گرفت تا نوبت رسید به اسلحه‌های این زمان. پس مراد از سلاح در موضوع بحث، سلاح روز است. یعنی آنکه در جنگ‌ها به کار می‌روند، نه آنکه دوره‌اش منقرض شده و کاربرد ندارد» (خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۲).

۲.۳.۴. تضییق موضوع

گاهی پدیده زمان و مکان سبب تضییق موضوع حکم می‌شود و به دنبال تغییر موضوع، حکم نیز عوض می‌شود.

- حکم معادن و فضای بالای زمین در عصر کنونی

بی‌تردید در زمان‌های دور هرگز فقهی در ملکیت اعماق زمین احیاشده قائل به تفصیل نبود. استفاده از فضای بالای زمین نیز هرگز مطرح نبوده و آن دوران اطلاق من احیی ارضا میتاً فهی له مورد تأیید فقیهان قرار می‌گرفته است، اما توجه به اکتشافاتی که در عصر صدور احادیث نبوده، می‌تواند اطلاق فوق را با تردید مواجه کند و این نکته از تأثیرات زمان و مکان است.

شارع مقدس در زمینه امور معاملی به امضای سیره عقلائی به جز موارد خاص بسنده کرده و ارتکاز عرفی ملکیت زمین آن است که در حد احتیاجات عرفی که همه از زمین برداشت می‌کنند، باید از آن به عنوان ملک بهره برد و مانع استفاده دیگران شد. امروزه اگر به عرف خاص مراجعه شود و بگوییم مسیر مترو از فاصله شصت متری از زیر زمین عبور کرده است و ساختن و عبور از آن نیز هیچ تأثیری در زمین و استفاده شما ندارد، خود را نسبت به آن ذی‌حق نمی‌بینند و سازندگان مترو را موظف به گرفتن اذن نمی‌دانند.

مرحوم آیت‌الله خویی نیز همین اندیشه را دارد، خلاصه کلام ایشان این است: «اگرچه اسباب ملکیت زمین متعدد است، اما سبب اصلی که به موجب آن زمین از مباحات اصلی خارج و به ملکیت شخصی داخل می‌شود، قصد حیات و احیا است ولی این دلیل تنها به مقدار احیا و حیات که از ظواهر زمین است، دربرمی‌گیرد و معادن خصوصاً که جزو زمین

به حساب نیاید را شامل نمی‌شود. لذا چنین معادنی در مباحث اصلی باقی مانده است. آری فضای بالای زمین و طبقه زیرین خاک به واسطه سیره عقلائییه و شرعیه به ظاهر زمین ملحق می‌شود، پس باطن زمین نه به دلیل لفظی من احیا ارضاً فهی له که به دلیل لبی سیره عقلائی تابع ملکیت ظاهر می‌گردد، ولی این سیره اطلاق ندارد و قدر متیقن آن همان ملحقات زمین در حد سرداب و چاه آب و ... است. آنچه از این محدوده خارج است که گاهی به یک یا دو فرسخ می‌رسد، از ملکیت شخص خارج است و خود زمین در این عمق ملک مالک ظاهر نیست تا چه رسد به معادن آن» (خویی، ۱۳۶۴: ۶۰).

یکی دیگر از بزرگان می‌گوید: «ان الفضاء ایضاً بلحاظ الطرق الجویئیه فی اختیار الامام و یمكن عدّها من الأنفال (منتظری، ۱۴۲۹: ۳۴۹)؛ فضا به لحاظ راه‌های جوئی و استفاده از آن در اختیار امام قرار دارد و می‌توان آن را از قلمرو انفال به‌شمار آورد».

در این زمینه شورای نگهبان استفتایی از امام خمینی می‌کند که به‌منظور بهره‌برداری عین آن نقل می‌شود: متن نامه دبیر شورای نگهبان به این شرح است:

محضر شریف رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی امام خمینی

با تقدیم عرض سلام و مستلت مزید برکات وجود مبارک ظل عنایات بقیه الله در مورد معادنی که به تبع ارض یا احیا مالک خاص دارد و برحسب تحریرالوسیله وسایر متون معتبر فقهی از انفال محسوب نمی‌شود، قبلاً شورای نگهبان به‌طورعام اظهار نظر کرده است که معادن واقع در املاک شخصی و وقفی، از انفال و ثروت‌های عمومی محسوب نیست؛ ولی نظارت و کنترل دولت بر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، طبق مصلحت عامه جایز است. اکنون در مورد نفت طرحی در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است که موجب ماده دوم آن، معادن نفت اعم از اینکه در ملک شخصی و وقفی یا زمین‌های دیگر و دریاها باشد، از انفال محسوب شده است، چون در شمول تبعیب مذکور در مورد نفت بالخصوص کسب نظر مبارک لازم شد، مستدعی است نظر شریف را اولاً در اصل موضوع و ثانیاً نسبت به جواز تصرف در زمین شخصی و وقفی جهت استخراج در صورت عدم تبعیت مرحمت فرمایید (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۸۷).

امام این‌طور نوشتند: «پس از سلام و تحیت، اصل مسئله تبعیت اعماق زمین و نیز هوا نسبت به املاک شخصی تا حدود احتیاجات عرفی است، مثلاً اگر کسی در خارج از محدوده منزل و یا زمین شخصی و یا وقفی کانالی زده و از زیرزمین آنها عبور کند و یا تصرف نماید، دارندگان منزل یا متولیان نمی‌توانند ادعایی بنمایند و اگر کسی بالاتر از مقدار متعارف، بنایی ایجاد یا رفت‌وآمد نماید، هیچ‌یک از مالکین یا متولیان حق جلوگیری از او را ندارند و بالأخره تبعیت زمین شخصی به مقدار عرفی است و آلات جدید هیچ‌گونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارد؛ ولی تبعیت کشور مقدار بسیار زیاد است و دولت حق دارد تا از تصرف پیش از حد عرفی شخص جلوگیری نماید. بنابراین نفت و گاز معادنی که خارج از محدوده عرفی املاک اشخاص است، تابع املاک نمی‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۸۸)؛

۵.۳.۲. تأثیر زمان و مکان در پیدایش موضوعات جدید

پیشرفت‌های صنعتی و علمی، موضوعاتی را که قبلاً نبوده، پدید آورده است؛ از این‌رو فقیه باید این موضوعات را، هرچند به کمک خبرگان و متخصصان فن، با دقت مطالعه کند. اینک به برخی از این موضوعات اشاره می‌کنیم:

۱. مسئله بیمه: با اینکه بیمه عقدی مستقل بین عقلاست، برخی این موضوع را تحت یکی از عناوین معروف در فقه مثل صلح، ضمان و غیر اینها بررسی می‌کنند. در حالی که فقیه باید به بررسی این موضوع به همان‌گونه‌ای بپردازد که بین عقلا رایج است؛
۲. امروزه حقوق جدیدی پدید آمده که قبلاً چنین حقوقی میان عقلا مطرح نبوده است؛ مانند حق تألیف، حق پروانه اختراع، حق چاپ، حق نشر و دیگر آثار ابتکاری. امروزه از این حقوق به مالکیت معنوی تعبیر می‌شود و غربی‌ها به‌طور رسمی آن را پذیرفته‌اند و کسی را که این حقوق را رعایت نکند، متجاوز می‌شمارند؛

۳. در دنیای پزشکی، موضوعات جدید فراوانی وجود دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان از لقاح مصنوعی، پیوند اعضا و خرید و فروش آن، تشریح، شبیه‌سازی انسان، تغییر جنسیت و مسائلی از این قبیل نام برد.

۲.۴. تأثیر زمان و مکان بر متعلقات احکام

متعلق حکم از دو جهت قابل تغییر است: گاهی مصادیق متعلق حکم تغییر می‌کند و در نتیجه حکم آن تغییر خواهد کرد، مثلاً شارع دستور می‌دهد: «به پدر و مادر احترام کنید». احترام، متعلق حکم است، لکن مصداق آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، تفاوت دارد. در صدر اسلام احترام به نحو خاصی بود و امروز طور دیگری است. اگر در یکجا احترام به بلند شدن در مقابل پدر و مادر باشد و در جای دیگری به برداشتن کلاه باشد، در هر کدام از این دو جا، همان فعلی که مصداق احترام بوده، لازم است (رضایی، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

گاهی خود متعلق حکم تغییر می‌کند و لذا حکمی که با توجه به یک متعلق خاص (که در زمانی در بین مردم رایج بوده است) صادر شده بود، تغییر می‌کند. مثلاً شارع فرمود: «بازی با شطرنج حرام است».

در آن زمان متعلق حکم «بازی همراه با برد و باخت» بوده و اکنون متعلق حکم بازی فکری است و لذا حرام نیست. در پاسخ به این سؤال: اگر شطرنج، آلات قمار بودن خود را به‌طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به‌عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده شود، بازی با آن چه صورتی دارد؟ امام خمینی (س) فرمودند: بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۱۲۹).

۲.۵. تأثیر زمان و مکان در احکام

مقصود از تأثیر زمان و مکان در احکام، تأثیر در «کیفیت و روش اجرای احکام» و «ترجیح یک حکم بر حکم دیگر آن در مقام تراحم» است که به شرح آن پرداخته می‌شود:

۲.۵.۱. ترجیح برخی از احکام بر احکام دیگر

شاید در زمان یا مکانی حکمی وجود داشته باشد، ولی با گذشت آن زمان یا تغییر آن مکان، عنوانی بر آن عارض شود که سبب تغییر حکم شود. در «تحریم تنباکو» آنچه به‌نظر می‌رسد آن است که در شرایط عادی استفاده از تنباکو مجاز بود، ولی هنگامی که انحصار آن به شرکت انگلیسی می‌رسد و مقدمه‌ای برای سلطه اقتصادی بر کشورمان می‌شود، حکم

جواز تحت‌الشعاع وجوب حفظ استقلال اقتصادی کشور اسلامی قرار می‌گیرد و حکم به حرمت آن می‌شود. سپس نیز وقتی آن قرارداد لغو می‌شود، میرزای شیرازی حکم جواز را صادر می‌کند. در واقع عناوین اهم که با تغییر زمان یا مکان به وجود می‌آیند، عناوین مهم را کنار می‌زند و حکم را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین در شرایط فعلی که آمریکا با تمام قدرت به حمایت از اسرائیل و ضربه زدن به کشورهای اسلامی برخاسته است، بسیاری از فقهای اسلامی، به تحریم خرید و فروش مصنوعات آمریکایی حکم داده‌اند، زیرا هدف مهم‌تری، عنوان اولی جواز را تحت‌الشعاع قرار داده است و اگر روزی اوضاع برگردد، شاید این حکم نیز به تغییر شرایط، تغییر کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۰۵)؛

۲.۵.۲. تأثیر در کیفیت و روش اجرا

گاهی زمان و مکان در روش‌های اجرای احکام الهی نیز تأثیر می‌گذارند:

۱. وقتی فتوای فقیهان پیشین در خصوص مسائل مربوط به حج از قبیل طواف خانه خدا، سعی بین صفا و مروه، رمی جمرات و ذبح در منی بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که عمل کردن به این فتاوا، سبب ایجاد مشکلات برای مردم می‌شود. در فتوهای سابق، محدوده طواف ۲۶ ذراع تعیین شده بود. این مقدار برای زمانی بود که تعداد حاجیان کم بودند، لکن امروزه تعداد طواف‌کنندگان به بیش از دو میلیون نفر می‌رسد. حال آیا با اختصاص این محدوده به طواف خانه خدا، می‌توان گفت که بر زائران واجب است میان رکن و مقام طواف کنند؟ یا اینکه گفته شود که گروهی ابتدا طواف کنند و گروه دیگری پس از آنها و کسی طواف مستحبی انجام ندهد تا همگی از طواف واجب فارغ شوند یا اینکه چنین فهمیده می‌شود که حاجیان در نزدیک‌ترین مکان به خانه خدا طواف کنند. روایات زیر به دو صورت اخیر اشاره دارد (حر عاملی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۳۷۰).

محمدبن مسلم طی روایت مضمراه‌ای می‌گوید: از امام (ع) درباره حد طواف یعنی حدی که اگر کسی از آن خارج شود، طوافش درست نیست، سؤال کردم. امام در پاسخ فرمود: کان الناس علی عهد رسول الله (ص) يطوفون بالبيت و المقام و اتمم اليوم تطوفون ما بین المقام و بین البيت، فكان الحد موضوع المقام اليوم، فمن جازه فليس بطائف، والحد قبل اليوم واليوم واحد

قدر ما بین المقام و بین البیت من نواحی البیت کُلِّها، فمن طاف فتباعد من نواحیه ابعده من مقدار ذلک کان طائفاً بغير البیت بمنزله من طاف بالمسجد؛ لانه طاف فی غیر حد ولاطواف (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳: ۳۵۰)؛ مردم در زمان رسول خدا(ص) میان بیت و مقام طواف می‌کردند؛ شما هم امروزه بین بیت و مقام طواف می‌کنید. پس امروزه حد طواف، مقام است و کسی که از این حد تجاوز کند، طوافش صحیح نیست. حد طواف در زمان ما و قبل از آن، به اندازه فاصله میان مقام و اطراف بیت است. اگر کسی از این حد تجاوز کند و دورتر از این مقدار برود، بیت را طواف نکرده است و به منزله کسی است که مسجد را طواف کند؛ چون در محدوده تعیین شده طواف نکرده و از این رو طوافی برای او محسوب نمی‌شود.

محمد بن علی حلبی می‌گوید از امام صادق(ع) درباره طواف از پشت مقام ابراهیم سؤال کردم، حضرت در جواب فرمود: ما أحب ذلک و ما أرى به بأساً فلا تفعله إلا أن لاتجد منه بدأ (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۹)؛ آن را دوست ندارم، گرچه اشکالی هم در آن نمی‌بینم. پس تا ناچار نشده‌ای این کار را انجام نده.

روایت اول حالتی را بیان می‌کند که حاجی می‌تواند بدون مشقت زیاد بین رکن و مقام طواف کند. و شاید این روایت از امام باقر(ع) نقل شده باشد که در آن زمان، جمعیت مردم زیاد نبوده است. اما روایت دوم زمانی را بیان می‌کند که جمعیت مردم به قدری زیاد بوده که حاجی نمی‌توانسته است آن حد را رعایت کند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۶)؛

۲. فقیهان معتقدند که غنایم جنگی پس از کنار گذاشتن خمس آن باید به صورت خاصی بین رزمندگان تقسیم شود. غنایم جنگی در زمان‌های گذشته که این حکم صادر شده است، شامل شمشیر، نیزه، کمان، اسب و امثال اینها بود. تقسیم این موارد بین رزمندگان در آن دوره کار آسانی بوده است. اما امروزه بر اثر پیشرفت‌های شگرف علمی، غنایم جنگی مانند توپ، تانک، وسایل زرهی، هواپیماها و کشتی‌های جنگی هستند. تقسیم این غنایم میان رزمندگان بسیار مشکل، بلکه غیرممکن است. بنابراین فقیه باید برای اجرای این حکم، شیوه‌ای اتخاذ کند تا بین عمل به اصل حکم و دوری از عوارض ناشی از آن جمع شود (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

۶.۲. تأثیر در مفسد و مصالح احکام

بدون شک احکام شرعی، تابع ملاکات، مصالح و مفسدند؛ البته شاید ملاک حکم، مجهول و مبهم باشد یا به واسطه تصریح شارع معلوم شود. صورت اول خارج از بحث ماست؛ اما در صورت دوم، حکم، تابع ملاک و معیاری بوده که شارع بیان کرده است. بنابراین چنانچه ملاک مشخص شده باقی باشد، حکم هم به قوت خود باقی می‌ماند؛ ولی اگر آن ملاک بر حسب تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییر کند، قطعاً حکم هم تغییر خواهد کرد، به‌عنوان نمونه:

۱. گاه در اثر مرور زمان تغییراتی در برخی از موضوعات به‌وجود می‌آید که آن موضوع را از علتی که به‌سبب آن محمول برای حکم قرار گرفته است، خارج می‌کند و در علت سبب پیدایش حکم جدید داخل می‌کند. مثلاً در مسئله معامله خون چنین نیست که تغییری در ذات موضوع یعنی خون به‌وجود آمده باشد، بلکه خون قبلاً در نزد عقلا دارای منفعت محلل (که مقصود آنان باشد) نبود؛ اما اکنون این موضوع از دایره علت خارج شده و در علت دیگری وارد شده که آن عبارت است از وجود منفعت محلل و از این‌رو در حکم صحت و جواز معامله داخل می‌شود.

امام خمینی فرموده است: «طبق قوی‌ترین قول، استفاده از خون در غیر خوردن و همچنین خرید و فروش آن جایز است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۸)؛

۲. بریدن اعضای بدن مرده در اسلام حرام است. امام علی (ع) می‌فرمایند از رسول خدا (ص) شنیدم: *إياكم و المثله و لو بالکلب العقور (نهج البلاغه، نامه ۴۷)*؛ از بریدن اعضای بدن مرده بپرهیزید، هر چند سگ هار باشد.

بدیهی است که ملاک تحریم، بریدن اعضای بدن مرده به قصد انتقامجویی است؛ و در آن دوران برای این کار هیچ فایده‌ای جز پاسخ مثبت دادن به خواهش نفسانی وجود نداشته است؛ اما امروزه بریدن اعضای بدن مرده، فواید زیادی دارد، به‌طوری که مسئله پیوند اعضا برای نجات کسانی که در حال مرگ هستند؛ ضروری به‌شمار می‌آید (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)؛

۳. از باب قاعدهٔ اهم و مهم در مواردی که مصالح اهم جامعهٔ اسلامی در اثر افزایش بی‌رویهٔ جمعیت تهدید شود، بر مسئولان لازم است که با دقت با موضوع برخورد کنند و برای رسیدن به امر اهم و برای اینکه مصالح اهم تأمین شود، از امور مهم دست بردارند و می‌توان حق فرد را در برخورد با حق جامعه حذف کرد. از این‌رو دولت اسلامی می‌تواند یکسری محدودیت‌هایی برای نسل در نظر بگیرد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه مطرح شد، در مسیر استنباط احکام الهی علاوه بر فحص منابع و اسناد و دلالت‌ها، باید به این مسئله توجه شود که چه حکمی ثابت و چه حکمی متغیر است و تأثیر عنصر زمان و مکان در احکام الهی مورد مذاقه قرار گیرد. منظور از زمان و مکان، ویژگی‌های هر عصر و محیط است که روی موضوعات احکام اثر می‌گذارد یا به‌صورت قرینهٔ حالیه بر مفاهیم نصوص تأثیرگذار باشد. نحوهٔ تأثیر زمان و مکان به این نحو است: تأثیر در مصادیق احکام: بدین بیان که مصادیق موضوعات احکام در طی زمان ممکن است متفاوت شود. تغییر در حکم به‌واسطهٔ تغییر در ملاک حکم: اگر ملاک حکم بر حسب تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییر کند، حکم هم تغییر خواهد کرد. تأثیر به‌نحو تغییر مصادیق موضوعات: تأثیر به‌نحو تغییر شیوهٔ اجرای احکام که می‌تواند از طریق تغییر روش اجرا و ترجیح برخی احکام بر برخی دیگر باشد. تأثیر در سیرهٔ معصومین: مانند آنکه پیامبر از خروج گوشت قربانی پس از سه روز نهی فرمود، ولی امام صادق (ع) اجازه دادند. تأثیر در موضوعات و مصادیق احکام که به پنج صورت ممکن است: تأثیر در حکم با تغییر درونی موضوع؛ تأثیر در حکم با تغییر بیرونی موضوع؛ پیدایش مصادیق جدید برای موضوع؛ تضییق موضوع؛ تأثیر در پیدایش موضوعات جدید به این اشاره که فقیه موضوعاتی که در اثر پیشرفت علوم و فنون ایجاد می‌شود را پاسخ می‌گوید، مانند مسئلهٔ بانک و بیمه در زمان کنونی و در انتها تأثیر در متعلق احکام: مانند آنکه احترام در زمان و مکان مختلف، متفاوت است.

کتابنامه

۱. ابراهیم، محمد عبدالسلام (۱۴۱۱ ق). *اعلام الموقنین*، جلد ۳: بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). *من لا یحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. _____ (۱۳۷۷). *معانی الاخبار*، جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۹۹۷). *لسان العرب*، جلد ۶، بیروت: دار صادر.
۵. احمدوند، خلیل الله (۱۳۹۳). *قلمرو نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد*، پژوهشنامه، فقهی، سال سوم، شماره اول.
۶. اشرفی شاهرودی، مصطفی (۱۳۷۴). *نقش زمان و مکان در اجتهاد*، جلد ۱، تهران: مؤسسه امام خمینی.
۷. اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۵۲). *وسیله النجاة*، جلد ۲، قم: نیکنام.
۸. افندی، سید محمد امین (۱۴۱۴ ق). *رساله ابن عابدین*، جلد ۲، بیروت: مکتبه الرقیه العربیه.
۹. انصاری، علیرضا (۱۳۷۴). *نقش زمان و مکان در اجتهاد*، کنگره نقش زمان و مکان، جلد ۱، تهران: مؤسسه امام خمینی.
۱۰. انصاری، مرتضی (۱۴۰۴ ق). *کتاب الطهاره*، قم: مؤسسه آل‌البت (ع).
۱۱. بحرانی، سید یوسف (۱۴۱۴ ق). *الحدائق الناضره*، جلد ۱۸، قم: مؤسسه النشر الاسلامی: ۶۲.
۱۲. الحائری، مرتضی (۱۳۶۴). *ابتغاء الفضیله فی شرح الوسیله*، جلد ۱، قم: مطبعه العلمیه: ۱۹۷.
۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*، جلد ۱۰، بیروت: مؤسسه آل‌البت (ع).
۱۴. الحرائی، حسن بن علی (۱۴۲۳ ق). *تحف العقول*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۵. حقانی، حسین (۱۳۷۸). *شرح نهاییه الحکمه*، جلد ۱، تهران: دانشگاه الزهرا.

۱۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۷). مکاسب محرمه، ج ۱، تهران: مؤسسه امام خمینی.
۱۷. خویی، ابوالقاسم (۱۳۶۴). مستند العروه الوثقی، قم: لطفی.
۱۸. _____ (۱۴۱۰ ق). التنقیح فی شرح العروه الوثقی، جلد ۳، قم: لطفی: ۱۶۸.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۶). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. راغب اصفهانی، المفردات، قم: اسماعیلیان، ذیل کلمه ربا.
۲۱. الرزقا، مصطفی (۱۴۲۰ ق). المدخل الفقهي عام، جلد ۲، بیروت: دارالشامیه.
۲۲. رضایی، محمد علی (۱۳۷۵). دیدگاهها درباره تأثیر زمان و مکان بر اجتهاد: حضور، شماره ۱۵.
۲۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). نقش زمان و مکان در استنباط: فقه اهل بیت، شماره ۴۳.
۲۴. _____ (۱۳۷۰). طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق.
۲۵. _____ (۱۳۹۴). الإيضاحات السنیه للقواعد الفقهيّة، جلد ۱، قم: مؤسسه الامام الصادق.
۲۶. _____ (۱۴۲۵ ق). القواعد الفقهيّة و الاجتهاد و التقليد (تهذيب الأصول)، جلد ۲، قم: جامعه مدرسین.
۲۷. شاطبی، ابواسحاق (۱۴۰۴ ق). الموافقات، الموافقات فی اصول الاحکام، جلد ۴، بیروت: دارالفکر.
۲۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۴). نقش زمان و مکان در تعیین نوع دیه، جلد ۱۲: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۲). فصلنامه رهنمون، شماره ششم: ۹۷ و ۹۸.
۳۰. صبحی، رجب محمصانی (۱۹۸۵). المجتهدون فی القضا، بیروت: دارالعلم: ۲۹.
۳۱. صحبت، خانم نیکو (۱۳۷۴). نقش زمان و مکان در فهم منابع دینی، جلد ۹: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۳۲. صدر، محمد باقر (۱۴۲۱ ق). دروس فی علم الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامیه.

۳۳. صفاتی، زهره (۱۳۷۴). *تقش زمان و مکان از دیدگاه امام خمینی*، جلد ۵: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان*، ذیل آیه ۲۷۵، سوره بقره، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۴ ق). *تفسیر مجمع البیان*، جلد ۲، چ چهارم، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۳۶. ظهیری، عباس (۱۳۷۴). *تقش زمان و مکان در اجتهاد*، جلد ۲: مؤسسه امام خمینی، کنگره بین‌المللی مبانی فقهی امام خمینی.
۳۷. العاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). *المسالك*، جلد ۶، قم: مؤسسه المعارف السلامیه.
۳۸. عرب، حسین (۱۳۷۴). *تأثیر زمان و مکان در فهم قرآن*، جلد ۸، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۳۹. علوی مهر، حسین (۱۳۷۴). *تأثیر زمان و مکان در احکام جهاد در قرآن*، جلد ۱۳، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۴۰. غفاری ساروی، حسین (۱۳۷۴). *قرآن و تقش زمان و مکان در اجتهاد*، جلد ۳: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۴۱. غفاری، حسین (۱۳۷۴). *جامعیت و جهانی بودن و جاودانگی دین از نظر قرآن*، جلد ۱۰، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۴۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۵ ق). *جامع المسائل*، جلد ۱: ۳۰۵.
۴۳. فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۷۴). *زمان و مکان و علم فقه*، جلد ۳، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۴۴. فاکر میبدی، محمد (۱۳۷۴). *تقش زمان و مکان در فهم قرآن*، جلد ۸، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.

۴۵. فتحعلی‌خانی، محمد (۱۳۷۴). *عقل و وحی در بستر زمان*، جلد ۳، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۴۶. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۰ ق). *فروع کافی*، جلد ۵، کتاب الجهاد، باب ۱۳، حدیث ۱: ۱۸.
۴۷. _____ (۱۳۶۷). *اصول کافی*، جلد ۱، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. لطفی، اسدالله (۱۳۷۴). *لزوم بازنگری در فقه با توجه به زمان و مکان*، ج ۳: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۴۹. مبلغی، احمد (۱۳۷۴). *راه‌های برخورد با مسائل زمان و مکان در یک نگاه تاریخی*، جلد ۳: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۵۰. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۴ ق). *بحارالانوار*، جلد ۶، بیروت: مؤسسه الوفا: ۷۸، ۱۷، ۲۲.
۵۱. محسنی گرکانی، احمد (۱۳۷۴). *جایگاه زمان و مکان در اجتهاد*، جلد ۳: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۵۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرایع الاسلام*، بیروت: دارالاضواء.
۵۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴). *پژوهشی در مبانی تطبیق‌پذیری قوانین اسلامی*، جلد ۳، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۵۴. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۲). *فصلنامه رهنمون*، شماره ۶: ۱۰۱ و ۱۰۲.
۵۵. مروارید، مرتضی (۱۳۷۴). *تقش زمان و مکان در اجتهاد*، جلد ۳: مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد ۲، قم: صدرا.
۵۷. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۰ ق). *الفصول المختاره، مصنفات*، جلد ۲، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید: ۲۲۱.
۵۸. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ ق). *مجمع الفائده والبرهان*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). تفسیر نمونه، جلد ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه: ۶ -

۱۴

۶۰. _____ (۱۳۹۰). دایرةالمعارف فقه مقارن، جلد ۱، قم: مدرسه امام علی(ع).

۶۱. _____ (۱۳۸۱). تحقیقی درباره رمی جمرات، قم: مدرسه امام علی بن

ابی طالب.

۶۲. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۸). خمس، قم: دارالفکر.

۶۳. _____ (۱۴۰۹ ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و

ابوالفضل شکوری، جلد ۵، قم: مؤسسه کیهان.

۶۴. موسوی بجنوردی، سید محمد موسوی (۱۳۷۲). فصلنامه رهنمون، شماره ششم: ۱۱۰.

۶۵. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۶). کتاب البیع، جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی.

۶۶. _____ (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام: ۱۷.

۶۷. _____ (۱۳۶۸). استفتائات امام خمینی، جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم

و نشر آثار امام.

۶۸. _____ (۱۳۶۸). المكاسب المحرمه، تهران: مؤسسه تنظیم آثار امام

خمینی.

۶۹. موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۷۴). نقش زمان و مکان در اجتهاد و ادله اعتبار آن،

جلد ۳، مؤسسه امام خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.

۷۰. ورعی، سیدجواد (۱۳۷۴). احکام و دگرگونی ملاکات احکام، جلد ۱۳، مؤسسه امام

خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.

References

1. Afandi, s,m. (1993) *the treatise of ibn abedin*. Beirut: Maktabat Al- Raqeyah Al- Arabiyah. (in Arabic)

2. Ahmadvand, kh. (2015). *The Domain of Time and place in independene reasoning*. Gournal of J urisprudence, 3 (1). (in Persian)
3. Al – ameli, z (1992). *al- masalek*, qom, Al – m aref Al- islamiyah institution. (in Arabic)
4. Al – harani, h. (2002). *tohaf – Al – oqol*. beirut : Al- A alami institution. (in Arabic)
5. Al – Rezqa, m. (1999). Al – Madkhal. Beirut: dar- al – shamiyah publishers. (in Arabic)
6. Al –haeri, m. (1986). *Ebteqa*. qom : elmiyah. (in Arabic)
7. Alavi mehr, h. (1996). *the effect of time & olace on the rules of jihad*, imam Khomeini institution. (13). (in Persian)
8. Ansari, m. (1983). *book of purity*. qom : Al – albeit institution. (in Arabic)
9. Ansari, A. (1996). *Domain of Time and Place in Reasoning*. Congress the role of time and place. Tehran: imam Khomeini institution. (in Persian)
10. Arab, h. (1996). *the role of time & place in understanding the quran*. imam Khomeini institution. (8). (in Persian)
11. Ashraf sahrudi, m. (1996). *The Domain of Time and Place in Reasoning*. tehran: imam Khomeini institution. (1). (in Persian)
12. Bahrani, s, y. (1993). *Al – Hadaeq – Al-Nazerah*. qom: Islamic publishing. (in Arabic)
13. Dekhodaa, a. (1988). *dehkloda dictionary*. Tehran: Tehran university. (in Persian)
14. Ebn babouyeh, m. (1983). *man la yahduruhal-faqih*. Tehran : dar – ol kotob al – islamiyah. (in Arabic)
15. Ebn babouyeh, m. (1956). *ma`ani Al-Akhbar*. Tehran: dar – ol kotob al – islamiyah. (in Arabic)
16. Ebn manzour, m (1997). *lesan Al –Arab*. Beirut. Dar Al – sader. (in Arabic)
17. Ebrahim, m. a., (1990). *elamolmoqenin: bierut: al-ilmiyah*. (in Arabic)
18. Faker, m. (1996) *the role of time & place in understanding the quran*. imam Khomeini institution. (8). (in Persian)
19. Fathali khani, m. (1996). *wisdom & revelation in the context of time*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
20. Fazel, m. (1997) *jameol – masael*. (4), 305. (in Arabic)
21. Fazel, m. (1996). *time & place & science of jurisprudence*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
22. Haqqani, h. (2000). *The explanation of nahayat – al – hekmat*. Tehran : al – Zahra university. (in Persian)
23. Hoe Ameli, m. (1988) *Vasaal – Al – shia*. Beirut: Al- Albait institution. (in Arabic)
24. Isfahani, A. (1974). *Vasilatol-Najat*. Qom: nik. (in Arabic)
25. Isfahani, r. (1999) *al mofradat*. qom : ismaelian publishers. (in Arabic)
26. Khoei, a. (1989). *Al – Tanqih*. Qom : lotfi. (in Arabic)
27. Khoei, A. (1986). *orvat – Al – Vosqa Documentary*. qom: lotfi. (in Arabic)
28. Khomeini, r. (1999) *makaseb moharrameh*. Tehran. imam Khomeini institution.

- (in Arabic)
29. Kolini, m. (1989). *forou kafi*, qom : daol-kotob. (in Arabic)
 30. Kolini, m. (1989). *osol kafi*, qom : darol kotob-al-ilsamiyah.(1). (in Arabic)
 31. Lotfi, A . (1996). *the need to review jurisprudence according to time & place*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
 32. Majlesi, m. (1983). *beharol- anvar*. Beirut. Al- vafa institution. (in Arabic)
 33. Makarem shrazi, n. (2003) *research on remy jamrat*, qom : imam ali school. (in Persian)
 34. Makarem shrazi, n. (2012). *Fiqh moqaren dictionary*, qom: imam al;I school.(1). (in Persian)
 35. Makarem shrazi, n. (2007) *nemoomeh interpretation*, tehran: darol- kotob al- islamiyah.(10). (in Persian)
 36. Moaqeq damad, s.m. (1996). *A study on the principles of applicability of Islamic laws*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
 37. Moballeqi, a. (1996). *ways to deal with time & place issues*, imam Khomeini institution (3). (in Persian)
 38. Moesavi kashmari, s. (1996). *the role of time & place in ijtehad*. imam Khomeini institution (3). (in Persian)
 39. Mofid, m. (1989). *fosol – ol – qom*. Al- motamer-al –alami publishers. (in Arabic)
 40. Mohammadi quilani, m. (1994). *rahnamoom*. Quarterly.(6),101. (in Persian)
 41. Mohaqeq helli, g. (1987). *sharayeol- islam*, Beirut. Darol-azva. (in Arabic)
 42. Mohseni, A. (1996). *the place of time & place in ijtehad*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
 43. Montazeri, h. (1988). *jurisprudential principales of Islamic government*. qom : keihan. (in Arabic)
 44. Montazeri, h. (1990). *khoms*. qom: darol – fekr. (in Arabic)
 45. Moqddas, a.(1993). *majmaol-faedeh*. Qom: al – nashrol – islami institution. (in Arabic)
 46. Morvarid, m. (1996). *the role of time & place in ijtehad*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
 47. Motahhari, m. (2002). *Islamic & requirements of the time*, qom: sadra publishers. (2). (in Persian)
 48. Mousavi khmaini, r. (1990). *sahifeh imam. Tehran*. imam Khomeini institution. (in Persian)
 49. Mousavi khomeini , r. (1990). *estefaat*. Tehran: imam Khomeini institution. (in Persian)
 50. Mousavi Khomeini, r. (1990). *al- makaseb- ol-moharrameh*.tehran: imam Khomeini institution. (in Arabic)
 51. Mousavi khomeini, r. (1988). *ketab al- beye*, tehran: imam Khomeini institution. (in Arabic)
 52. Qaffari, h. (1996). *the quran & the role of time & place in ijtehad*. imam Khomeini institution. (3). (in Persian)
 53. Qaffari, h. (1996). *the comprehensiveness & universality of religion according*

- to quran*. imam Khomeini institution. (10). (in Persian)
54. Rezaei, m. (1999). *Views on the effect of time and place on ijihad*. Hozour publishers(15) . (in Persian)
55. Sadr, M. (2000). *Doroos fi elm –al-ooseol*. Qom. al – fekr islamiyah. (in Arabic)
56. Safi, l. (1992). *rahnmoon quarterly*. (6), 97-8. (in Persian)
57. Sefati, z. (1996). *the role of time and place from imam khomini s point of view*. imam Khomeini institution. (5). (in Persian)
58. Shafiei, e. (1996). *the role of time and place in determining the type of blood money*. imam Khomeini institution. Congress of imam khomains jurisprudence principles (12). (in Persian)
59. Shatebi, A. (1983). *Al – movafeghat*. Beirut: daral-fekr publishers. (in Arabic)
60. Sobhani. j. (2010). *the role of time and place in inference*. Fiqh of ahlal- bayt, (43). (in Persian)
61. Sobhani, j. (2004). *fiqh rules*. Qom : jame eh modarresin. (in Persian)
62. Sobhi, r. (1985). *Al – mojtahedoon*. Beirut : dar al- elm. (in Arabic)
63. Sobhi, J. (1992) *Tabqat- Al – foqaha*. Qom: imam sadeq institution. (in Arabic)
64. Sohbat, n. (1996). *the role of time and place in understanding religious sources*. imam Khomeini institution, (9). (in Persian)
65. Tabarsi, f (1993). *majmaol-bayan interpretationbeirut*: Al –A alami institution. (in Arabic)
66. Tabatabaei, m, a. (1996). *Al – mizan*. Beirut: Al-elmi institution. (in Arabic)
67. Varaei, s.j. (1996) *ruling & transformation of the criteria of rulings*. imam Khomeini institution. (13). (in Persian)
68. Zahiri, A. (1996). *the role of time & place in ijihad*. imam Khomeini institution. (2). (in Persian)